

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام حضرت دوست که هر چه داریم از
اوست



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی ، گروه تاریخ
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد M.S.C.
گرایش : تاریخ اسلام

عنوان :
بررسی هنر خوشنویسی از صفویه تا قاجاریه

استاد راهنما :
خانم دکتر مهری ادیسی

استاد مشاور :
آقای دکتر مصیب عباسی

نگارش :
حلیمه غریبی

زمستان ۱۳۸۸



Islamic Azad University
Shahrood Branch

Faculty of Humanities, Department of History
Thesis for a master's degree (M.S.C.)
Course: History of Islam

Subject:
Study the art of calligraphy from the Safavid to Qajar

Thesis Advisor:
Mehri Edrisi .PH.D

Consulting Advisor:
Mosayeb Abbasi.PH.D

BY:
Halima gharibi

Winter ۲۰۱۰

تقدیر و تشکر

مراتب قدردانی خود را نسبت به استاد راهنما خانم دکتر مهری ادیسی ، استاد مشاور آقای دکتر مصیب عباسی که صمیمانه در این پژوهش راهنمایی ام کردند ، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم .

از کلیه مسئولین کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود و کتابخانه های تهران - ملی ، دانشگاه تهران ، مرکز هنری - و مسئولین موسسه تایپ و حروف چینی ادنیس تهران سپاسگزارم.

تقدیم به :

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان ،
به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران
بهترین پشتیبان است ،
به پاس قلب های بزرگشان که فریاد رس است و سرگردانی و ترس در پناهمان به
شجاعت می گراید ،
و به پاس محبت های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند ،
این مجموعه را به پدر ، مادر و همسر عزیزم تقدیم می کنم . . .

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	۱
مقدمه	۲
بررسی منابع	۵
فصل اول : اوضاع سیاسی - فرهنگی ایران طی قرون ۱۰ تا ۱۲-ه ق	
بخش اول	
۱-۱- اوضاع سیاسی- فرهنگی ایران در دوره صفویه	۱۷
۱-۱-۱- شاه اسماعیل اول	۱۸
۱-۱-۲- شاه تهماسب یکم	۱۹
۱-۱-۳- شاه اسماعیل دوم	۲۰
۱-۱-۴- شاه محمد خدابنده	۲۰
۱-۱-۵- شاه عباس یکم	۲۱
۱-۱-۶- از مرگ شاه عباس اول تا سقوط دولت صفویه	۲۲
۱-۱-۷- باز ماندگان صفوی پس از صفی اول	۲۲
۱-۲- نتایج و پیامدهای تشکیل دولت صفویه	۲۴
بخش دوم	
۲-۲- اوضاع سیاسی - فرهنگی در قرن دوازدهم	۲۶
۱-۲-۲- ایران در زمان افغانها	۲۶
۲-۲-۲- روی کار آمدن دولت افشاریه	۲۸
۳-۲-۲- زندیه	۳۱
فصل دوم: هنر خوشنویسی	
بخش اول	
۱-۲- هنر خوشنویسی	۳۸
۱-۱-۲- خط و خوشنویسی	۳۸
۲-۱-۲- خطوط دوران باستان	۴۱

- ۲-۱-۳- تاریخ خط و خوشنویسی دوره باستان ۴۴
- بخش دوم** ۴۹
- ۲-۲- پیدایش خط اسلامی ۴۹
- ۲-۲-۱- خوشنویسی در ایران دوره اسلامی تا دوره تیموری ۵۱
- ۲-۲-۲- سیر و تحول و تطور خط عربی در زبان فارسی (خط کوفی) ۵۱
- ۲-۲-۳- خط و خوشنویسی اسلامی ۵۳
- ۲-۲-۴- پیشکسوتان خط ایرانی در دوره اسلامی ۵۴
- ۲-۲-۵- خطوط شش گانه ابن مقفه ۶۰

فصل سوم: فصلی جدید در خوشنویسی

- بخش اول** ۷۰
- ۳-۱-۱- هنر خوشنویسی مکتب هرات ، فصلی جدید در تحولات خوشنویسی ۷۰
- ۳-۱-۲- تحولات خوشنویسی عصر ایلخانان ۷۲
- ۳-۱-۳- هنر خوشنویسی عصر مملوکیان ۷۳
- ۳-۱-۴- مکتب هرات ۷۳
- ۳-۱-۵- هنر خوشنویسی عصر تیموریان ۷۶
- ۳-۱-۶- تاثیرات مکتب هرات در هنر صفویه ۸۴
- بخش دوم** ۸۵
- ۳-۲-۱- سیر خوشنویسی عصر صفویه ۸۵
- ۳-۲-۲- تاثیر خوشنویسی صفوی بر دیگر کشورهای همسایه ۸۹
- ۳-۲-۳- خطوط ابداعی و خوشنویسی عصر صفویه ، افشاریه و زندیه ۹۰
- بخش سوم** ۹۳
- ۳-۳-۱- خوشنویسان قرن هشتم هجری قمری تا اواخر قرن دوازدهم ۹۳
- ۳-۳-۲- خوشنویسان قرن دوازدهم ۱۰۰
- ۳-۳-۳- خط نستعلیق ۱۰۱
- ۳-۳-۴- سیر خوشنویسی نستعلیق از عهد تیموریان تا اواخر عصر زندیه ۱۰۲
- ۳-۳-۵- خوشنویسان نستعلیق و شکسته هندوستان و ترکیه ۱۰۳
- ۳-۳-۶- مرقع چیست ؟ ۱۰۶
- نتیجه گیری ۱۱۰

۱۱۳	ضمائم و پیوست ها
۱۲۷	فهرست منابع فارسی
۱۳۹	فهرست منابع غیر فارسی
۱۴۰	فهرست اسامی
۱۴۷	چکیده انگلیسی

چکیده

پس از آنکه اعراب با استفاده از الفبای خطوط پهلوی موفق به تهیه الفبای خطوط کوفی و نسخ قدیم شدند، بتدریج ایرانیان خطوط دیگری از قبیل ثلث، توقیع، محقق، رقاع و ریحان را بوجود آوردند و سپس دو خط دیگر ایرانی تعلیق و شکسته وضع گردید. تا اوایل قرن هشتم هجری خطوط متداول در ممالک اسلامی اقلام معروف به اقلام ششگانه بوده است و در اواسط قرن هشتم از ترکیب دو قلم توقیع و رقاع خط دیگری بوجود آمد که به تعلیق موسوم بود و سپس در اثر کثرت استعمال خط شکسته تعلیق بدست آمد. خط شکسته تعلیق همان خطی است که به غلط آن را تعلیق نام نامیده اند. پیدا شدن قلم تعلیق نیز مانند سایر اقلام تدریجی بوده و تکامل آن شاید در حدود يك قرن بطول انجامید.

مقارن با تکامل خط تعلیق از دو خط نسخ و تعلیق خط دیگری بوجود آمد که آن را نسخ تعلیق و سپس نستعلیق نامیده اند. خط نستعلیق از دقیقترین و زیباترین و نیز از خطوط دشوار است. نوشتن خط نستعلیق که در آن رعایت ۱۲ قاعده خوشنویسی ارائه شده باشد، بسیار مشکل بوده و محدود خوشنویسانی بوده اند که توانسته اند از عهده انجام چنین امری برآیند.

بعضی از مورخین میرعلی تبریزی (۸۰۰ هجری قمری) را واضع خط نستعلیق می دانند. در حالی که خطوطی از نستعلیق دیده شده است که تاریخ آنها به قبل از ۸۰۰ هجری می باشد. اما می توان گفت که وی این خط را تحت قاعده درآورد و به خوشنویسی نستعلیق معروف گردیده است. در بررسی تحولات خوشنویسی در سه دوره ی صفویه ، افشاریه و زندیه می توان اذعان داشت که دوره ی صفویه با تکیه بر مکتب هرات و تاثیر پذیری آن از این دوره و نیز تحت حمایت پادشاهان صفوی از شکوفایی چشمگیری برخوردار است.

کلید واژه ها : خطوط کوفی ، ثلث، توقیع، محقق، رقاع و ریحان - شکسته تعلیق - نستعلیق - میرعلی تبریزی - صفویه ، افشاریه و زندیه

مقدمه

"خط زیبا تجلی عالم معنی در جلوه صورت است ، هندسه ای است روحانی که چرخش ها و دوایر عالم هستی را از گردن آهو تا طره شاهدان زیبا رو به یاد می آورد و به زبان حال درس الفت و مهربانی می دهد." ^۱

بیان مسئله: چون خط و خطاطی به مفهوم هندسی یکی از پدیده های ارزشمند فرهنگی است ، نوشتن و آفرینش یک اثر خطی کار ساده ای نیست . هنر خط و خوش نویسی پس از ظهور اسلام مسیر و مراحل رشد و تعالی و هنری شدن را پیموده و به نقطه اوج و کمال خود رسیده است . اگر بخواهیم سیر و تحول خط و خوشنویسی فارسی را بررسی کنیم ، باید توجه داشت که خط فارسی ، تاریخ خط عربی است و مربوط به بعد از سقوط امپراطوری ساسانی و ظهور اسلام و جایگزینی خط عربی به جای خط پهلوی است . لذا ابتدا باید به بررسی خطوط عربی و از جمله خط کوفی که ریشه در خط سریانی دارد، پرداخت که در همه جای عربستان نیز متداول بوده است. سپس به بررسی تحولات خوشنویسی در سه دوره ی مورد نظر پرداخته می شود . و نیز در فصل دوم مبحث طولانی در مورد پیشینه ی خط ارائه شده است علت آن همانا ریشه یابی خطوطی است که اوج آنها در دوره ی صفویه بوده است ، لذا قبل از هر چیز چگونگی شکل گیری این خطوط مدّ نظر می باشد .

هدف از این پژوهش ، بررسی اوضاع خوشنویسی دوره صفویه ، افشاریه و زندیه می باشد که البته بیشترین تأکید بر دوره صفویه اوج شکوفایی هنر ایرانی بوده است. از طرفی شناخت خوش نویسی در بر گیرنده شرح حال برخی خوش نویسان این دوره می باشد . سر آغاز فرمانروایی صفویان با دوره شکوفایی و بالندگی خوشنویسی در ایران مقارن بود . سنت های از پیش معین خوش نویسی هم شکل صوری اقلام گوناگون را برای خوشنویسی تعیین می کرد و هم نوع کاربرد هر قلم را مشخص می کرد . با این حال خوش نویسان برای تکمیل و بهبود میراث گذشتگان در تکاپو بودند . خوشنویسی علاوه بر کتابت ، در پیشه هایی چون مهر سازی و حکاکی بر سکه و عاج و فلز هم به کار می آمد و آموختن خوشنویسی عمومیت داشت . بیشتر اعضای خاندان صفوی نیز به خوشنویسی و فراگیری آن رغبت داشتند و حامی خطاطان بودند و آثار ایشان را در مرقعات گرد می آوردند. در دوره سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب ، سنت های به جا مانده از هرات، عهد تیموریان با اندک تغییراتی ادامه یافت و قانونمند شد . در آغاز سلطنت شاه طهماسب ، ابتدا کتابت

۱ - دهخدا ، ۱۳۶۶ لغت نامه دهخدا . ج ۱ ، ص ۹۱۱

متون حمایت شد و سپس قطعه نویسی رواج یافت. در این زمان ، رسانه نویسی در باب خوشنویسی نیز در میان خوشنویسان رایج شد .

خوشنویسان این عصر قلم های شش گانه را که در خوشنویسی ایران سابقه ای دیرینه داشت ، در آثار خود به کار می گرفتند . شکل و تناسبات حروف این اقلام را سنت های به جا مانده از شیوه خوش نویسی یا قوت مستعصمی معین می کرد . ماندگاری این اقلام بر رقابت خوش نویسان در تقلید از آثار پیشینیان استوار بود . به جز قلم های شش گانه ، دو قلم تعلیق و نستعلیق نیز در قلمرو و صفویان کاربرد بسیار داشت ، مکاتبات اداری را بیشتر به عهد ایلخانان رخ داده است به رغم رواج تعلیق ، بیشتر خوش نویسان به نستعلیق گرایش داشتند .

فرضیه ها : در این راستا پرسش ها و فرضیه های ذیل مطرح می گردد :

۱- هدف از انتخاب این سه دوره چیست ؟

۲- سیر خوشنویسی در این سه دوره چه بوده است ؟

۳- کدام یک از این دوره ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و علت آن چیست ؟

۴- تاثیر مکتب هرات بر رشد خوشنویسی دوره های بعد چگونه است ؟

و بسیاری از فرضیه های دیگر که به شرح انها پرداخته می شود .

بر همین اساس در غالب سه فصل سیر خوش نویسی و خط در ایران مورد بررسی قرار گرفته است .

فصل اول : در باب روی کار آمدن دوره های تاریخی صفویه ، زندیه و افشاریه می باشد و سیر تاریخ سیاسی - فرهنگی ایران طی قرون ۱۰ تا ۱۲ هـ. ق مورد بررسی قرار گرفته است .

فصل دوم: شامل دو بخش می باشد . در بخش اول تعریف مختصری از خط و خوش نویسی ، خطوط دوران باستان و روش تصویر نگاری این دوره ارائه شده است و در بخش دوم این فصل پیدایش خط اسلامی و خوش نویسی ایران تا دوره تیموری و خطوط عربی این دوره همراه با شرح قواعد خوشنویسی بیان شده است هدف از بیان این بخش مقدمه ای بر توضیح نوآوری انواع خطوط سه دوره تاریخی مورد نظر است .

فصل سوم : این فصل که اساسی ترین مطالب در آن گنجانده شده است شامل ۳ بخش می باشد . در بخش اول به بررسی مکتب هرات و تحولات خوش نویسی عصر ایلخانان و تیموریان پرداخته شده است . دلیل بررسی این دوره تأثیر فراوان مکتب هرات و مخصوصاً خوشنویسی در هنر صفویه است .

در بخش دوم این فصل پژوهشی در سیر خوش نویسی عصر صفویه تا اواخر دوره زندیه است . و در نهایت بخش دیگر شرح حال خوش نویسان قرن هشتم تا اواخر قرن دوازدهم می باشد و نیز بیان

مرقع و مرقعات است خود بیان گر آثار به جا مانده از دوره های تاریخی و تحولات خ.شنویسی می باشد .

دشواری های پژوهش : محدودیت های این پژوهش دسترسی اندک به منابع خوش نویسی در دوره های افشاریه و زندیه بود که به علت هجوم اقوام مختلف به ایران ، وقفه ای را در خوشنویسی ایجاد کرده و مجدداً رشد خود را از دوره قاجاریه آغاز کرد . و بسیاری از خوشنویسان و هنرمندان ایرانی در طی این دوره تاریخی به سوی سرزمینهای اطراف – هند ، عثمانی و افغانستان – مهاجرت کردند.

بررسی منابع پژوهش

سنت تاریخ نگاری در ایران پیش از اسلام به سبب فقدان آثار مکتوب از دوره قدیم و میانه ایران بدرستی مشخص نیست ، افزون بر این ، دانش تاریخ و فن تاریخ نگاری از جمله علوم و دانش هایی است که در ایران پس از اسلام رواج فراوان یافت و جهت بررسی مباحث تاریخی لازم است به بررسی منابع تاریخی نیز پرداخته شود تا بتوان ارزش پژوهش را بهتر درک کرد .

از جمله تاریخ های عمومی دوره ایلخانان (ح ۶۵۴- ح ۷۵۰ هـ. ق) ، نظام التواریخ تألیف ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی ، مشتمل بر تاریخ جهان از حضرت آدم تا سال ۶۷۴ می باشد. جامع التواریخ ، تألیف خواجه رشیدالدین فضل الله که در حدود ۷۱۰ هـ. ق به پایان رسیده است. رشیدالدین فضل الله با بهره گیری از اسناد دربار ایلخانان و منابع کهن چون آلتین دفتر (دفتر زرین) به شرح تاریخ جهان تا پایان حکومت غازان خان پرداخته و الگوی مورخان بعدی شد . از تاریخهای عمومی این دوره که تحت تأثیر جامع التواریخ بوده اند، این آثار درخور ذکرند: تاریخ بناکتی از فخرالدین ابوسلیمان داوود بناکتی ، تاریخ گزیده تألیف حمدالله مستوفی ، زبده التواریخ نوشته جمال الدین ابوالقاسم کاشانی و فردوس التواریخ تألیف ابن معین ابرقوهی در ۷۹۲ هـ. ق .

در دوره تیموریان (ح ۷۷۱-۹۱۶ هـ. ق) ذیل نویسی از شیوه های مرسوم مورخان تاریخ عمومی بود. در ذیل نویسی گاه متون پیشین عیناً و بدون هیچ تغییری منتقل می شد که نمونه آن مجمع التواریخ السلطانیه تألیف حافظ ابرو در ۸۳۰ هـ. ق است . همچنین مجمل فصیحی تألیف فصیح خوافی ، جامع التواریخ حسنی اثر حسن بن شهاب الدین یزدی ، تاریخ خیرات یا اصلح التواریخ نوشته محمدبن فضل الله موسوی و الفصول السلطانیه فی الاصول الانسانیه از مؤلفی گمنام در باره تاریخ عمومی و انساب از جمله این ذیل ها هستند^۱ برجسته ترین آثار تاریخی عمومی دوره تیموری ، تاریخ روضه الصفا و تاریخ حبیب السیر است که بر آثار تاریخی دوره بعد اثری بسزا داشتند .

سنت تاریخ نگاری عمومی از آغاز سده دهم تا سیزدهم به روال پیشین ادامه یافت . در دوره صفویان (۹۰۶- ۱۱۳۵ هـ. ق) برخی مورخان به تألیف تاریخ عمومی ایران، بویژه شرح حکومت پادشاهان صفوی ، روی آوردند ، از جمله یحیی بن عبداللطیف قزوینی مؤلف لب التواریخ (تألیف در ۹۴۸ هـ. ق)، قاضی احمد غفاری قزوینی مؤلف تاریخ جهان آرا (تألیف در ۹۷۲ هـ. ق)، عبدی بیگ شیرازی مؤلف تکمله الاخبار (تألیف در ۹۷۸ هـ. ق)، بوداق منشی قزوینی مؤلف جواهر الاخبار (تألیف در ۹۸۴ هـ. ق)، ملاکمال بن جلال الدین منجم یزدی مؤلف زبده التواریخ (تألیف در ۱۰۶۳ هـ. ق)، میرزا محمدیوسف واله اصفهانی مؤلف خلد برین (تألیف در ۱۰۷۸ هـ. ق) و

^۱ - استوری چارلز آمبروز. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری ، ترجمه: یحیی آرین پورو گروه مترجمان ، ج ۲، صص ۵۰۹- ۵۱۰، ۵۱۴

سیدحسین بن مرتضی استرآبادی مؤلف تاریخ سلطانی (تألیف در ۱۱۱۵ هـ. ق). این مورخان افزون بر ثبت مشاهدات شخصی خویش، عموماً تحت تأثیر آثار این دوره از جمله صیوه الصفا، فتوحات شاهی و تاریخ عالم آرای عباسی بودند.^۱ از تاریخ های عمومی دوره افشاریان (۱۱۴۸- ح ۱۲۱۰ هـ. ق)، زبده التواریخ تألیف محمدحسن مستوفی در ۱۱۵۴ هـ. ق است.^۲

تاریخ نگاری محلی که در دوره میانه در ایران رایج بود، در ایران در سده های نخستین اسلامی به عربی و از اواخر سده پنجم به فارسی نوشته می شد. مورخان محلی، از یک شیوه خاص پیروی نمی کردند. آداب و رسوم رایج و محیط فرهنگی مورخان ایرانی در شکل بخشیدن به آثار آنان تأثیر مهمی داشت. این رسوم شامل میراث باستانی ایران و میراث جامعه اسلامی بود و از ظهور و فروپاشی امپراتوریهای بزرگ الهام می گرفت و احتمالاً واکنشی علیه تمرکزگرایی سلسله های بزرگ بود. انگیزه اصلی مورخان که به تاریخ محلی می پرداختند، کسب افتخار برای منطقه خود و اعتقاد به این بود که رویدادهای سرزمینشان شایسته ضبط در تاریخ است. شاید یکی از علل رشد تاریخ نگاری محلی در دوره صفوی و قاجاری (سده های دهم تا سیزدهم) همین بوده است.

از اقسام متداول تاریخ نگاری ایرانی، تاریخ نگاری دودمانی یا سلسله ای است. مورخان، شاید به انگیزه پاداش گرفتن از شاهان، تاریخ سلسله آنان را تألیف می کردند. سلسله های مستقل ایرانی در واقع وظیفه تغییر سنت تاریخ نگاری از عربی به فارسی را بر عهده داشتند، ازینرو تاریخهای این سلسله ها بیشتر به فارسی نوشته شد. از دوره مغول به سبب توجه سلسله های محلی به ثبت تاریخ خود، تاریخ نگاری سلسله ای با تاریخ نگاری محلی در آمیخت.

آثار تک نگاری تاریخی در ایران را از دوره تیموریان در دست داریم. ظفرنامه شامی و ظفرنامه یزدی و عجائب المقدور فی نوائب تیمور از ابن عربشاه در باره تیمور نوشته شده است. تاریخ عالم آرای امینی از روزبهان خنجی اطلاعات مفیدی در باره امرای آق قویونلو دارد. از تک نگاریهای دوره صفوی می توان به فتوحات شاهی یا فتوحات امینی از صدرالدین سلطان ابراهیم امینی هروی در باره شاه اسماعیل اول؛ فتوحات همایون از سیاقی نظام در باره دوازده سال نخست سلطنت شاه عباس اول؛ تاریخ عالم آرای عباسی نوشته اسکندربیک منشی که بخشی از آن در باره شاه عباس اول است؛ عالم آرای صفوی یا عالم آرای شاه اسماعیل و جهانگشای خاقان از مؤلفانی نامعلوم در باره شاه اسماعیل اول؛ عالم آرای شاه طهماسب از مؤلفی نامعلوم در باره شاه طهماسب اول؛ قصص الخاقانی نوشته ولی قلی شاملو که تاریخ کامل شاه عباس دوم است؛ دستور شهریاران نوشته محمدابراهیم بن زین العابدین نصیری در باره دوره سلطان حسین صفوی. از تک نگاریهای

^۱ - قرظینی، بوداق منشی. جواهر الاخبار ص ۴۱- ۴۷

^۲ - صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات، ج ۵، بخش ۳، ص ۱۵۵۹

دوره افشاری نیز می‌توان به تاریخ عالم آرای نادری تألیف محمدکاظم مروی و ذرّه نادره از میرزا مهدی خان استرآبادی، هر دو در باره وقایع سلطنت نادرشاه، اشاره کرد.

تاریخ نگاری منظوم در ایران بویژه در دوره مغول وجود داشته است. تاریخ غازان که شمس الدین کاشانی آن را به دستور غازان خان سرود؛ چنگیزنامه یا شهنشاه نامه که احمد تبریزی آن را به دستور ابوسعید ایلخانی در ۷۳۸ هـ. ق سرود از این نمونه هستند^۱. از تاریخهای منظوم در باره دوره تیموری، تمّرنامه سروده عبدالله هاتقی در اوایل قرن دهم در باره تیمور^۲ و شاهرخ نامه سروده قاسمی گنابادی در ۹۵۰ در باره شاهرخ تیموری است. از دوره صفوی نیز می‌توان به این آثار اشاره کرد: شاهنامه هاتقی یا اسماعیل نامه سروده عبدالله هاتقی در باره فتوحات شاه اسماعیل اول که ناتمام مانده است، دو مثنوی از سراینده ای با تخلص قدری در باره واقعه بازپس گیری هرمز از پرتغالیها به نامهای جنگ نامه قشم و جرون نامه که ضمن آن قتل امامقلی خان به امر شاه صفی هم وصف شده است. از تاریخهای منظوم دوره افشاری، شاهنامه نادری است که نظام الدین عشرت سیالکوتی قریشی آن را در ۱۱۶۲ در باره حمله نادرشاه افشار به هند و جنگهای او تا زمان مرگش سروده است^۳.

منابع جنبی تاریخ نگاری ایران. در کنار آثار بالاخص تاریخی، در تاریخ نگاری ایرانی منابعی داریم که اطلاعات تاریخی را می‌توان از آنها به دست آورد. سفرنامه ها، کتاب های خاطرات و روزشمار، شرح حالها، وقایع نگاریها، منشآت و اسناد دیوانی از جمله این منابع است.

در سنت اسلامی سفرنامه نویسی نقش بسیاری داشته است و بعضی جهانگردان سفرنامه هایی نوشته اند که از حیث تاریخی اهمیت دارد، از جمله سفرنامه ناصرخسرو که از آن می‌توان به اوضاع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی سده های پنجم و ششم پی برد، نیز سفرنامه ابن بطوطه در سده هشتم. اما از دوره مغول و تیموری با شروع مراودات ایران و اروپا، جهانگردان اروپایی سفرنامه های بسیاری نوشتند که حاوی اطلاعات ارزشمندی در باره تاریخ ایران در این دوره هاست، از جمله مارکوپولو که در زمان ایلخانان به ایران سفر کرد و کلاویخو که برای رساندن پیام پادشاه اسپانیا به دیدار تیمور آمد، سفرنامه نوشتند که حاوی اطلاعاتی در باره تاریخ ایران است.

^۱- زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۱۳۰.
^۲- صفا، ذبیح الله، ۱۳۶۳ تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۴۲ ش.
^۳- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۱۳۱

سفرنامه نویسی در دوره صفوی به اوج خود رسید. در این دوره سفر اروپاییان به ایران بیشتر شد. از آثار ایشان در این دوره اینهاست: گزارش آنجولتو در باره شاه اسماعیل؛ سفرنامه پیترو دلا واله که نکات تازه ای در باره جامعه ایران در دوره شاه عباس اول دارد. سفرنامه برادران شرلی، سفرنامه تاورنیه و سفرنامه کمپفر که برای شناخت دوره شاه عباس اول مفید هستند و نوعی دایره المعارف عصر صفوی محسوب می شوند.

در دوره افشاریان و زندیان، فعالیت‌های اروپاییان در ایران به صورت استعماری درآمد و نیاز آنان به کسب اطلاعات دقیق در باره ایران موجب تألیف کتابهای بسیار شد، از جمله دو جلد کتاب جونس هنوی که در ۱۱۵۶-۱۱۵۷ هـ. ق/ ۱۷۴۳-۱۷۴۴ م در ایران و در باره مسائل اقتصادی انگلستان در دریای خزر نوشته شد و مؤلف بعدها مطالبی در باره نادرشاه به کتاب افزود؛ نامه های طبیب نادرشاه از رنه بازن، کشیش و پزشک فرانسوی که در اواخر حیات نادر در خدمت او بود؛ سفرنامه ژان اوتر، اوتر برای استقرار روابط بازرگانی بین ایران و فرانسه به ایران آمده بود؛ سفرنامه فریزر، وی در ۱۲۰۴ هـ. ق/ ۱۷۹۰ م به ایران آمد؛ سفرنامه ویلیام فرانکین، وی در ۱۲۰۱ هـ. ق/ ۱۷۸۷ م به ایران آمد و مطالب مبسوطی در باره مردم ایران بویژه مردم فارس نوشت.

شرح حال نویسی در ایران سنتی دیرینه دارد. شرح حالها و تذکره های بسیاری به فارسی نوشته شده که بسیاری از اطلاعات تاریخی مهم را می توان در آنها یافت. این کتابها در باره بسیاری کسان همچون علمای دینی و شاعران و شاهان و دیوانیان است. مثلاً صفوه الصفا اثر توکلی بن اسماعیل اردبیلی معروف به ابن بزّاز در باره کردار و کرامات شیخ صفی الدین اردبیلی، سلسله النسب صفویه تألیف شیخ حسن بن شیخ ابدال زاهدی در باره مناقب شیخ زاهد گیلانی و طرائق الحقایق نوشته حاجی میرزا معصوم علیشاه نعمت الهی در شرح احوال بزرگان صفویه.

مراسلات، منشآت و اسناد دیوانی، و کتابهایی که در باره تشکیلات دیوانی نوشته شده، از منابع مهم و سودمند برای دریافت اطلاعات تاریخی است. در تذکره الملوک میرزا سمیعا (تألیف در ۱۱۳۷ هـ. ق) اطلاعات گرانمایی در باره تشکیلات دیوانی و مسائل مالی صفویان آمده است. دستورالملوک محمدرفع انصاری مستوفی الممالک مشهور به میرزا رفیعا، در باره القاب و مواجب و تشکیلات دیوانی صفویان مطالبی دارد. سلوک الملوک روزبهان خنجی حاوی اطلاعاتی در باره وظایف سلطان و وزیر و شیخ الاسلام و مفتی و قاضی و محتسب و داروغه و والی مظالم و دیگر مقامات مملکتی در دوره صفوی است.

منشآت و اسناد دیوانی به جا مانده از دوره تیموری یکی از منابع مهم تاریخ این دوره است، از جمله، منشأالانشاء اثر نظام الدین عبدالواسع بن جمال الدین نظامی با تدوین و تبویب ابوالقاسم

شهاب الدین احمد خوافی؛ شرفنامه یا انشاء مروارید از منشآت بیانی کرمانی، کاتب و وزیر سلطان حسین بایقرا؛ مجمع الانشاء یا نسخه جامع مراسلات اولی الالباب تدوین ابوالقاسم حیدر بیگ ایواغلی (متوفی ۱۰۷۵ هـ. ق) که مجموعه مراسلات شاهان صفوی با سلاطین همسایه و نیز مشتمل بر اسناد و فرمانها از زمان آلب ارسلان سلجوقی تا زمان شاه عباس دوم است.^۱ حال به بررسی برخی آثار مرتبط با سیر خوشنویسی در راستای این پژوهش می پردازیم.

حبیب السیر فی اخبار افراد البشر مهم ترین کتاب از آثار خواندمیر و شامل وقایع عمومی از خلقت تا سال (۹۳۰ هجری) است. ذکر اطلاعات مفید و پرارزش درباره رجال علم، ادب، ریاست، دین و وزرا که خواندمیر آنها را در ذیل دوران های عده ای از سلاطین جای داده به کتاب حبیب السیر جلوه خاصی بخشیده و آن را از جمله منابع بسیار سودمند درباره تاریخ هنر و رجال ساخته است. خواندمیر به عنوان يك مورخ از مؤلفان موثق و به لحاظ يك نویسنده دارای نثری روان و تا حدی متمایل به صنعت است. کتاب او از حیث مطالب و انشاء بسیار تحت تأثیر روضه الصفا است و این مسلماً اثر تربیت و تأثیر معنوی نیای او یعنی امیر خواند در اوست، و او هم مانند میرخواند حد وسطی را در استعمال صنایع به کار برده است و حاجت به گفتار نیست که اختصاصات عمومی زبان و نثر فارسی اواخر قرن نهم هجری از همه جای کتاب مشهود است و به همین سبب گاه به خطاهای دستوری و لغوی در آن برمی خوریم.

زبده التواریخ، تالیف شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بهدادینی خوافی، مشهور به "حافظ ابرو"، از مورخان و جغرافی دانان عصر تیمور گورکانی است. حافظ ابرو در همدان پرورش یافت و در همان جا تحصیل کرد. در جوانی به خدمت تیمور گورکانی پیوست و مورد توجه او واقع شد. بعد در زمره ی ملازمان شاه رخ و بایسنقر میرزا تیموری درآمد و به نام آنان به تالیف و تصنیف پرداخت. حافظ ابرو سرانجام در سال ۸۳۳ هـ. ق در زنجان درگذشت. ذیل جامع التواریخ رشیدی، ذیل تاریخ طبری، تاریخ آل کرت، تاریخ طغان تیمور، تاریخ سرداران، تاریخ امیر ارغون شاه، تاریخ شاه رخ و زبده التواریخ از جمله تالیفات اوست.

او کتاب زبده التواریخ یا زبده التواریخ بایسنقری یا تاریخ حافظ ابرو را در سال ۸۳۰ هـ. ق به نام بایسنقر تیموری تالیف کرد. این کتاب به جهت ضبط و ثبت دقیق وقایع از شهرت بسیاری برخوردار است. مولف در این اثر وقایع عالم را از خلقت تا سال ۸۲۹ هـ. ق نگاشته است. این کتاب در واقع تاریخ عمومی مفصلی است در چهار مجلد و عنوان کلی "مجمع التواریخ سلطانی" را دارد که در واقع تقلیدی است از جامع التواریخ رشیدی تا آن جا که در بعضی موارد عین مطالب آن

۱- زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۹۱.

کتاب را آورده است. مجلد چهارم این اثر درباره ی حکومت تیموریان است و چون حاصل مشاهدات خود مولف است، اهمیت بیشتری دارد.

نثر کتاب نه ساده و نه متکلف است. ظاهراً حافظ ابرو سعی کرده است که مطالب خود را با نثری قابل فهم بیان کند. این کتاب را سید «کمال حاج سید جوادی» تصحیح کرده است. جلد اول و دوم آن در سال ۱۳۷۲ و جلد سوم و چهارم در سال ۱۳۸۰ خورشیدی از طرف سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ و منتشر شده است.

هنر اسلامی اثر باربارا برند و با ترجمه دکتر مهناز شایسته فر در ۲۳۴ صفحه و برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ و همچنین در ۱۹۹۵ منتشر شد. این اثر قصد دارد به صورت مصور تاریخ هنر اسلامی را با استفاده از دستاوردهای هنرمندان و صنعتگران مسلمان در طول ۱۲۰۰ سال، بطور مشخص از قرن هفتم تا سیزدهم، مورد بررسی قرار دهد.

هنر اسلامی سرزمینهای سوریه، عراق و ایران در زمان حکومت و سلطه خلفای عباسی و همین طور هنر در سرزمینهای غرب جهان اسلام مانند مصر، شمال آفریقا و اسپانیا، احیاء و تجدید هنر اسلامی در شرق جهان اسلام در ایران و ترکیه تحت سلطه سلاجقه از جمله مباحث و موضوعات کتاب فوق است. این کتاب، هنر اسلامی را با توجه به جایگاه تاریخی آن در کشورهای که ظهور و گسترش یافته، مورد بررسی قرار داده و تجربیات هنر اسلامی را در فراز و نشیب حوادث تاریخی و جغرافیایی مورد توجه قرار می دهد.

گلستان هنر، اسمی با مسمای واقعی خود و عنوانی زینبده برای کتاب و تذکره ای مشتمل بر شرح حالات هنرمندان نقاش و خوشنویس دوران ترقی و تجلی هنرهای ملی ایران که بقلم قاضی احمد میرمنشی قمی نگارش یافته است. این تذکره معتبر تاریخی و یگانه فرهنگ هنری عصر درخشان صفوی که در نوع خود یکتا و بدون همتا است، تا سی یا چهل سال قبل در ایران گمنام و ناشناخته بود و برای نخستین بار بر اثر انتشار مقالاتی به امضای زهرا داعی زاده در مجله "روزگار نو" لندن^۱ و مجلات "ارمغان" و "نقش و نگار" تهران پرده از چهره این زیبا اثر برداشته شد. سپس نیز مقالات متعددی مبنی بر معرفی نسخه اصل و تحریر اول کتاب (متعلق به موزه فرهنگ خاوری مسکو) و همچنین نسخه های دیگری از گلستان هنر در حیدرآباد هندوستان، لندن، کتابخانه نجوانی در تبریز و تهران بقلم پژوهشگرانی هنردوست انتشار یافت و از نتیجه و مفاد آنها چنین بدست آمد که نسخه اصل و نگارش اولیه این کتاب همان نسخه موجود در مسکو می باشد که ترجمه روسی آن در

^۱ - داعی زاده، زهرا. روزگار نو لندن، شماره ۵.

سال ۱۹۲۷ م با مقدمه و تعلیقاتی از طرف پروفیسور زاخو خاورشناس اتحاد جماهیر شوروی انتشار یافته است و آقای مینورسکی خاورشناس معروف نیز در سال ۱۹۵۹ م پس از مراجعه به نسخه‌های خطی شناخته شده کتاب و با استفاده از تحقیقات مترجم روسی آن، گلستان هنر را به زبان انگلیسی ترجمه و در امریکا منتشر ساخت.

نسخه موجود در مسکو علاوه بر خط نستعلیق بسیار زیبایی آن که گفته می‌شود قاضی احمد شخصا برای اهداء به ابوالمنصور فرهادخان قرمانلوسردار محبوب و دلیر شاه عباس نگاشته است

و اما راجع به خصوصیات مربوط به چاپ و تصحیح کتاب از لحاظ آن که برای پیمودن سیر تکامل مطبوعات ناگزیر موارد غفلت یا نواقصی که خدشه به طرق استفاده از کتاب وارد می‌کند باید گفته شود تا اصلاح گردد اجمالا بدین نکته اشاره می‌شود: در رجوع به فهرست اول کتاب گلستان هنر نسخه چاپی مورد بحث که محتویات کتاب را پس از مقدمه در چهار فصل و خاتمه آن بر شمرده بهیچوجه نامی از نقاشان برده نشده و لکن پس از مراجعه بصفحات متن کتاب در صفحه ۱۲۸ دیده می‌شود که (فصل چهار - در ذکر نقاشان است) درحالیکه در فهرست راهنمای اول کتاب فصل چهارم هم بنام خوشنویسان ذکر شده است. و این اشتباه یا غلط بسیار فاحش که در غلطنامه کتاب هم بآن اشاره‌ای نشده چه بسا ممکن است پژوهشگرانی را که معمولاً با استفاده از فهرست راهنمای کتاب مطالب مورد نظر خود را جستجو و مطالعه می‌کنند برای پیدا کردن احوال نقاشان در آن کتاب بکلی گمراه و دچار سرگردانی نماید.

وضع ناروای دیگری که در کار چاپ کتاب بچشم می‌خورد سهل‌انگاری فنی کارگران چاپخانه برای گراورسازی و چاپ آنها می‌باشد. زیرا تصاویر و خطوط خوش‌وزیبائی که باحسن سلیقه انتخاب گردیده متأسفانه از جهت فقدان جلا و جلوه‌گراور و چاپ آنها نه تنها متناسب با چنان متن هنری، پاکیزه ازکاردر نیامده است. بخصوص شامل اطلاعات سودمندی از زندگانی حکیم نظامی سخن‌سرای بزرگ ایران می‌باشد که بنوبه خود شایان توجه است.

اما در کل باید اذعان داشت کتاب فوق کمک شایانی در شناخت خطوط به خصوص خط نستعلیق در این پژوهش داشته است.

خوشنویسی در اوایل دوره صفویه، تالیف پریسیلا سوچک، ترجمه ولی‌الله کاوسی از جمله آثار ارزشمندی است که در نگارش این پژوهش کمک شایانی کرده است در این اثر اشاراتی به سرآغاز فرمانروایی صفویان شده است که با دوره شکوفایی و بالندگی خوشنویسی در ایران مقارن بود. نثر این رساله بسیار شیوا ترجمه شده است و در عین حال با تکیه بر منابع داخلی و خارجی انجام

گردیده که به ارزش آن می افزاید. و نیز در باب خوشنویسی در آن مطالب ارزشمندی ذکر شده است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد. سنتهای از پیش معین خوشنویسی که هم شکل صوری اقلام گوناگون و هم نوع کاربرد هر قلم را برای خوشنویسی تعیین می کرد. با این حال، خوشنویسان برای تکمیل و بهبود میراث گذشتگان در تکاپو بودند. خوشنویسی علاوه بر کتابت، در پیشه‌هایی چون مہر سازی و حکاکی بر سکه و عاج و فلز هم به کار می آمد و آموختن خوشنویسی عمومیت داشت. بیشتر اعضای خاندان صفوی نیز به خوشنویسی و فراگیری آن رغبت داشتند و حامی خطاطان بودند و آثار ایشان را در مرقدات گرد می آوردند. در دوره سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب، سنتهای به جامانده از هرات عهد تیموریان با اندک تغییراتی ادامه یافت و قانونمند شد.

از آغاز حکومت شاه طهماسب ذکر شده است که ابتدا کتابت متون حمایت شد و سپس قطع‌نویسی رواج یافت. در این زمان، رساله‌نویسی در باب خوشنویسی نیز در میان خوشنویسان رایج شد. خوشنویسان این عصر قلم‌های ششگانه را که در خوشنویسی ایران سابقه‌ای دیرین داشت، در آثار خود به کار می گرفتند. شکل و تناسب حروف این اقلام را سنتهای به جامانده از شیوه خوشنویسی یاقوت مستعصمی معین می کرد. ماندگاری این اقلام بر رقابت خوشنویسان در تقلید از آثار پیشینیان استوار بود. به جز قلم‌های ششگانه، دو قلم تعلیق و نستعلیق نیز در قلمرو صفویان کاربرد بسیار داشت. مکاتبات اداری را بیشتر به قلم تعلیق می نگاشتند که به گواهی اسنادی قدیمی، ابداع آن در ایران عهد ایلخانان رخ داده است. به رغم رواج تعلیق، بیشتر خوشنویسان به نستعلیق گرایش داشتند. این قلم را در آغاز بیشتر برای نوشتن اشعار به کار می گرفتند؛ اما به زودی در موارد بسیار جای خطوط دیگر را گرفت. این گسترش کاربرد قانونمند شدن حروف و ترکیبات نستعلیق را در پی داشت و رسالات مختلفی برای آموزش قواعد این قلم نگاشته شد. صفویان شیوه خوشنویسی سلطان علی مشهدی را بسیار می ستودند. او توانایی شگفتی در نستعلیق خفی داشت. شاگرد او، سلطان محمد نور، نیز در هم‌نشین کردن نستعلیق خفی و جلی مهارت داشت.

علاقه شاه طهماسب به خوشنویسی خوشنویسان را به بالاترین مقامهای درباری می رساند. در آغاز سلطنت شاه طهماسب، خوشنویسان بسیاری در تبریز شیوه خوشنویسی رایج در هرات و شرق ایران را به کار می بردند. شاه محمود نیشابوری یکی از آنان بود که علاوه بر خمسه نظامی، قرآنی به خط نستعلیق برای شاه طهماسب کتابت کرد. بیشتر خوشنویسان این عهد در قطع‌نویسی نیز توانمند بودند. بیشتر این قطعه‌ها را پس از تذهیب در مرقع جای می دادند. در منابع عصر صفوی، میر علی هروی را هنرمندی اثرگذار خوانده‌اند و برخی او را در خوشنویسی هم‌اورد سلطان علی مشهدی دانسته‌اند. شیوه این خوشنویس در هندوستان نیز علاقه‌مندان بسیار داشت. سیداحمد مشهدی از